

## بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری نمونه موردی: شهر همدان

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۰

کد مقاله: ۹۴۵۱۴

لاله رضازاده\*<sup>۱</sup>، مریم قهرمانی<sup>۲</sup>، خلیل گودرزی سروش<sup>۳</sup>

### چکیده

بدیهی است با رشد شتابان شهرها و شهرنشینی در دهه‌های اخیر حکومت‌ها به تنهایی و بدون اتکا به شهروندان قادر به اداره امور جامعه نخواهند بود. مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی در شهرها بر پیچیدگی این موضوع افزوده است. موضوع مشارکت شهروندان در امور شهری در دهه‌های اخیر به عنوان عامل اساسی در بررسی‌های توسعه شهری مورد توجه قرار گرفته و اقدامات خوبی نیز در این راستا انجام گرفته اما به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها آنچنان که باید نتوانسته مشارکت‌های مردمی را به صورت واقعی در اداره امور شهری جذب نماید. از این رو در این تحقیق سعی بر آن شده است تا عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در اداره امور شهری بررسی شود و پیشنهادات و راهکارهایی جهت بهبود و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهری ارائه شود. هدف اصلی این تحقیق بررسی میزان مشارکت شهروندان شهر همدان در اداره امور شهری و همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. روش انجام این تحقیق، پیمایشی، کتابخانه‌ای و استفاده از کتب معتبر است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های اتخاذ شده از پرسشنامه‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه شهروندان شهر همدان در ۷ منطقه از این شهر تشکیل داده است و حجم نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد. نتایج حاصل از آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، اعتماد اجتماعی با مشارکت مردم در اداره امور شهری رابطه معناداری وجود دارد اما بین سودآور بودن مشارکت و عضویت انجمنی با مشارکت پاسخگویان در امور شهری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: آگاهی شهروندی، شهروند، مدیریت شهری، مشارکت

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه کردستان، [talerezazade@gmail.com](mailto:talerezazade@gmail.com)
- ۲- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه پیام‌نور، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان
- ۳- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور، گروه معماری

## ۱- مقدمه

رشد شهرنشینی در جهان، خصوصاً کشورهای در حال توسعه یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های جمعیت شناختی در قرن بیستم بوده است. رشد شهرنشینی از یک طرف و اداره این شهرها بر اساس نظام متمرکز از طرف دیگر باعث شده است که این شهرها تنها بر اساس خواست نیروهای حاکم و بدون در نظر گرفتن جایگاه سایر گروه‌های شهری به خصوص شهروندان به شیوه‌ای کاملاً متمرکز اداره شوند. لذا این تمرکز شدید، مشکلات متعدد اجتماعی-اقتصادی از قبیل «گسترش بی‌رویه و بدون برنامه شهرها، افزایش فقر در شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، ایجاد حاشیه‌نشینی و مسکن‌های غیرقانونی، سیستم حمل‌ونقل ناکافی و نارسایی امکانات اصلی شهری، مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر و مشکلات حاد زیست‌محیطی را فراروی اداره‌کنندگان شهرها قرار داده است» (رفیع‌پور، ۱۳۷۹). بیان ضرورت‌ها، سیاست‌ها و روش‌های فراهم نمودن موجبات مشارکت مردم در تغییر و تحول جوامع، راهگشایی بسیار اساسی و مؤثر جهت کلیه صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مجریان در ایفای وظایف‌شان خواهد بود (سرور و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸). با توجه به موارد فوق رهیافتی که می‌تواند در تأمین انواع نیازهای پیچیده و متغیر شهرهای امروزی مؤثر و کارا باشد، برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی است.

مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر در دست‌یابی به اهداف توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. هرچه توده‌ی مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب موفقیت فراهم می‌شود، اقشار پایین و محروم جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از توسعه بهره‌مند می‌شوند. مشارکت مردم در هر یک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی، سبب بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالا رفتن امید به زندگی می‌شود. همچنین سیستم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت دولتی متمرکز را به سمت مدیریت محلی و از پایین به بالا (توسعه مشارکتی) با توجه به نیازها، امکانات، توانمندی‌ها و اولویت‌هایشان سوق می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۱) و این مهم جز از طریق تلاش علمی و برنامه‌ریزی‌شده که بر پایه‌ی شناخت کافی از مسئله استوار باشد به دست نمی‌آید، چیزی که تحقیق حاضر در پی حصول به آن است.

## ۲- بیان مسئله

گسترش چشم‌گیر شهرنشینی در سال‌های اخیر به ویژه افزایش جمعیت در شهرهایی مانند همدان، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که مدیریت شهری امروزی در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول در گذشته این مشکلات را حل کرده و در ارائه خدمات یک‌سویه موفقیتی به دست آورد. آنچه امروزه موضوع مشارکت شهروندی در اداره امور شهرها را تا این مقدار پر اهمیت و ضروری ساخته است تغییر و تحولات سیاسی-اجتماعی و ورود مباحث جدید توسعه انسانی در ادبیات توسعه، بررسی ابعاد گوناگون مشارکتی و چگونگی انجام امور مردم از طریق خودشان است (سرور و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸). شیوه‌های مناسب مدیریت شهری می‌تواند ضمن اداره امور شهرها به تدریج از حجم مشکلات کم نموده و شرایط بهتری را برای یک زندگی شهری فراهم نمایند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲).

مشارکت شهروندان در بسیاری از اسناد دولتی اعلام شده است و آگاهی از مشارکت شهروندی در اصطلاحات سیاسی و اجتماعی ضروری است (Li, 2017: 1086). تجربه نشان داده است که طرح‌های دولتی بدون جلب مشارکت مردمی، حالت کم‌رنگی به خود می‌گیرند. علاوه بر آن، مهم‌ترین مزیت مشارکت بهره‌برداران، حفاظت و کنترل عرصه‌های ایجاد شده است که در تداوم بهره‌برداری و ایجاد بستر مناسب و مساعد، نقش مهمی بر عهده دارد (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶). جلب مشارکت شهروندان در اداره شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه‌ی مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علاقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد (هاشمیان، ۱۳۸۹).

شهر همدان نیز از جمله شهرهایی است که هر ساله بر تعداد جمعیت آن افزوده می‌شود به طوری که طبق آمارهای سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۵ رشدی ۱/۰۹ درصدی داشته است (سالنامه آماری همدان، ۱۳۹۰). رشد جمعیت شهری همدان، هشدار است در زمینه احتمال بروز مشکلات مختص شهرهای بزرگ، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی که در شهرهای میلیونی امکان وقوع دارند، ضمن آنکه ارائه خدمات به چنین جمعیتی به آسانی از عهده یک سازمان و آن‌هم به صورت یک طرفه بر نمی‌آید. در این راستا توجه به مشارکت شهروندان یکی از مسائل اصلی و بسیار تأثیرگذار برای تقویت و کمک به مدیریت امور شهری است. حال سؤال اصلی این است که چه عواملی برای جلب مشارکت مردم در اداره امور شهر تأثیرگذارند؟

## ۲-۱- هدف کلان

بررسی میزان مشارکت شهروندان در اداره بهینه امور شهری

## ۲-۲- اهداف خرد

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره بهینه امور شهری  
ارائه پیشنهادها و راهکارها جهت بهبود افزایش مشارکت شهروندان در اداره بهینه امور شهری

## ۳- پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تحقیقات چشمگیری در زمینه مشارکت مردم در اداره امور شهرها صورت گرفته است، در ادامه به توضیح مختصری از آن‌ها می‌پردازیم:

لی و دجونگ (۲۰۱۷)، در تحقیقی نقش مشارکت شهروندی در توسعه اقتصادی شهر چین را در سطح روستایی و یکی از موفق‌ترین و و مدرن‌ترین شهرهای آن بررسی می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که مشارکت شهروندان در جامعه روستایی بسیار واکنش‌پذیر است، درحالی‌که در محیط شهری بیشتر به صورت فردگرایی است. علاوه بر این، در هر دو مورد جایگاه شهروندان در مرحله تصمیم‌گیری بسیار محدود است اما در مرحله اجرای دولت محلی، حمایت‌های مردم را شامل می‌شود و جهت افزایش مشارکت شهروندان، اصلاحات قانونی و حرفه‌ای و اتخاذ سیاست‌های پایین به بالا ضروری است (Li & de Jong 2017: 1085).

جان و همکاران (۲۰۱۱)، چهار دسته از جهت‌گیری شهروندان که ممکن است بر مشارکت تأثیر بگذارد را ارائه می‌دهند (John et al, 2011) و نباتچی (۲۰۱۲)، هشت عنصر طراحی مشارکت را برای ارزشگذاری عمومی پیشنهاد کرده است (Nabatchi, 2012) که هر دو چارچوب بیشتر بر عناصر کلی تمرکز دارند تا روابط میان این عناصر.

سانل (۲۰۱۱)، در تحقیق خود نشان می‌دهد که برای ترغیب افراد مشارکت مدنی و اجتماعی تنها وجود اعتماد درون‌گروهی کافی نیست و باید اعتماد تعمیم یافته در بطن جامعه افزایش یابد، که در نهایت موجب مشارکت مدنی در مسیر توسعه شهری می‌شود (شربت، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

مک فارلند و توماس تحقیقی انجام داده‌اند که نشان می‌دهد سازمان‌های داوطلبانه جوانان بر مشارکت آن‌ها در آینده تأثیر دارد. از نظر آن‌ها مشارکت معمولاً با متغیرهای درونی مشخص می‌شود؛ یعنی درون خانواده‌ها باز تولید می‌شود. به طبقه اجتماعی بسیار بستگی دارد و معمولاً تا سن بزرگسالی پایدار است، به طور خاص شرکت در سازمان‌های داوطلبانه جوانان که شامل فعالیت‌هایی مانند خدمات اجتماعی، نمایندگی، صحبت در بحث‌های عمومی و ایجاد کننده هویت گروهی بیشتر است، مشارکت بعدی را تشویق می‌کند (ساجدی، ۱۳۹۱). اوهمر (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان مشارکت شهروندان در سازمان‌های محله و ارتباط آن با خودکارآمدی، اثربخشی جمعی، حس اجتماعی، به این نتیجه رسید که مشارکت روزانه اعضای سازمان‌ها با یکدیگر باعث افزایش خودکارآمدی، اثربخشی و حس اجتماعی می‌شود. دوچرتی و همکاران (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهاد سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان مؤثر است.

شربت (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، مطالعه موردی: شهر گنبد، با هدف بررسی و تحلیل میزان مشارکت شهروندان شهر گنبد در مدیریت امور شهری و همچنین مزایا و موانع و ارائه راهکارهایی در جهت جلب مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت شهر به این نتیجه رسیده است که بین رضایت شهروندان از خدمات شهری، اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری، آگاهی شهروندان از برنامه‌های مدیریت شهر و تعلق اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.

تیموری و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی تأثیر مشارکت شهروندان بر مدیریت شهری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری، به این نتیجه رسیده است که در این رویکرد نگاه مدیران و برنامه‌ریزان از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی افراد و متکی بر سرمایه‌های انسانی و اجتماعی شهروندان است و در نتیجه رعایت الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی، اعتماد شهروندان به نتایج حاصله از برنامه‌ریزی‌های شهری از طرف مدیریت شهری افزایش می‌یابد و مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود. حسین زاده و ده‌چشمه (۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهروندی شهر شهرکرد به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های سیاست‌های انگیزشی، اعتماد اجتماعی و نوع فعالیت شهری رابطه معناداری با مشارکت مردم داشته و از بین متغیرهای زمینه‌ای فقط بین سن و رضایت شهروندان همبستگی وجود دارد. مالکیان (۱۳۹۰)، در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های شهروندان و مشارکت آنان در سامانه ۱۳۷ شهرداری منطقه ۲۲ تهران به این نتیجه رسید که میان متغیرهای سن و جنس با متغیر مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد و میان متغیرهای سواد، رضایتمندی و عوامل روان‌شناختی هوش هیجانی و

عزت نفس با متغیر اعتماد به نفس رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه مثبت است. یعنی افراد دارای اعتماد به نفس بالا، هوش هیجانی بیشتر و سواد بیشترند بیشتر مشارکت دارند.

در جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته در زمینه مشارکت شهروندان می‌توان گفت که مشارکت و کنترل شهروندی در عالی‌ترین سطح است و مردم در زندگی روزانه مشارکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین نگرش شهروندان از مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهاد بوده است. مشارکت خود عوامل گوناگون و انواعی دارد که محققان هر کدام از آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و همچنین به مقایسه مشارکت پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده تحقیقات مشخص است.

## ۴- مفاهیم و اصطلاحات

### ۴-۱- شهروند

مفهوم شهروندی از سه بعد اصلی تشکیل شده است: اولین بعد این مفهوم بعد قانونی آن است که از طریق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود. در اینجا، شهروند فردی قانونی است که می‌تواند آزادانه و بر طبق قوانین رفتار کند و این حق را دارد تا مدعی حفظ حقوق خود باشد. اما این بدان معنی نیست که شهروندان یکنواخت باشد. دومین مفهوم شهروندی این است که شهروندان به عنوان نمایندگان سیاسی به صورت فعال در نهادهای سیاسی - اجتماعی شرکت کنند و سومین بعد از مفهوم شهروندی، شهروندی را عضوی از دیدگاه جامعه سیاسی می‌بیند (Cohen, 1999). شهروند کسی است که در برابر حکمرایان شهری، هم حق دارد و هم تکلیف؛ یعنی هم باید وظایفی را در مقابل آن‌ها انجام دهد و هم باید از آن‌ها انتظاراتی داشته باشد. مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند. بنابراین در بحث مدیریت شهری می‌توان به نقش مسئولین شهری، در کشاندن شهروندان به سوی کنش‌های مشارکتی اشاره نمود (جعفری، ۱۳۹۵: ۲).

### ۴-۲- آگاهی شهروندی

به معنی شناخت شهروندان نسبت به وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان است (باغستانی بزرگی، ۱۳۸۷). آگاهی از حقوق شهروندی باعث می‌شود مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار باشد مگر کمتر گردد. آگاهی شهروندی زمینه‌ی انجام وظایف دو جانبه را فراهم می‌آورد و باعث افزایش مشارکت شهروندی می‌شود (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸). به طور کلی درباره‌ی میزان آگاهی شهروندی سه ارزش اساسی به عنوان مهم‌ترین دستاوردهای مشارکت مطرح شده است: سهیم شدن مردم در قدرت و اختیار، راه‌یابی مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، ایجاد فرصت‌های پیشرفت برای مردم در رده‌های پایین جامعه (رستمی، ۱۳۸۲).

### ۴-۳- مدیریت شهری

مدیریت شهری یک نهاد فراگیر و درگیر با موضوعات و پدیده‌های گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی است که به طبع از شرایط عمومی خود تأثیر می‌پذیرد و خود را با امکانات بالقوه و محدودیت‌های ناشی از آن هماهنگ می‌کند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۸). یکی از رویکردهای پایه در مفهوم مدیریت شهری، حکومت محلی است. اصل اساسی در حکومت‌های محلی این است که مردم همان محل با مشارکت و همفکری یکدیگر و حتی‌المقدور با استفاده از منابع و امکانات محلی نسبت به تأمین خدمات عمومی و نیز عمران و آبادی محل در چارچوب قانون اقدام نمایند (یعفور و رفیعیان، ۱۳۹۴: ۸۷). اکثر صاحب‌نظران امور شهری به این نتیجه رسیده‌اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذینفعان اصلی امور شهر (مردم) موفقیت‌چندانی در اداره شهرها ندارند. از این رو باید راه‌های مختلف زمینه‌های مشارکت و همکاری فعال مردم در امور شهری را فراهم کرد (کاظمیان، ۱۳۸۹).

### ۴-۴- مشارکت شهروندی

مشارکت توانمندسازی شهروندان در جهت پیشبرد امور شهری با تکیه بر خویشتن، به کمک مدیران شهری، در راستای بهبود کیفیت محیط شهر و کیفیت زندگی شهروندان می‌باشد (خواجه شاهکوهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶)، در واقع مشارکت نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است (کاکاوند، ۱۳۹۰). که در روند تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی توسعه‌ی همه جانبه شهری بوده و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید (شربتی، ۱۳۹۵: ۱۶۲). از طرفی در دنیای اجتماعی و پیچیده‌ی شهری، بدون همکاری و مشارکت‌های مردمی، نمی‌توان به توسعه شهری مطلوب دست یافت؛ در واقع مشارکت شهروندان، موتور محرکه‌ی مدیریت شهری است (مرادی، ۱۳۹۳: ۱۸۱). از نظر مک کونل نیز، مشارکت نوعی گشودن باب حکومت به سوی عامه مردم و تقویت کنش متقابل میان آنان است. مشارکت نوعی گفتگو و فرآیند دو طرفه مستمر میان برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران عرصه مدیریت شهری و شهروندان است (مه‌دیزاده،

۱۳۸۲: ۳۱۰). در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم‌سرنوشتی و مسئولیت بدهد (شمس پویا و توکلی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

## ۵- چارچوب نظری

تفکر و عمل برای «اداره امور شهر» را می‌توان هم‌زاد پدیده «شهر» در زندگی و تاریخ انسان دانست. کنش‌گران شهری که شامل عناصر حکومتی، خصوصی و عمومی است هر کدام در صورت امکان به دنبال بیشینه ساختن میزان قدرت و نفوذ در جامعه هستند و بر حسب میزان قدرت و نفوذ این عناصر می‌توان دو رویکرد حکومت شهری<sup>۱</sup> و حکمروایی شهری<sup>۲</sup> را تشخیص داد (مهارتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در سال‌های گذشته مدیریت شهری و حکمروایی به نادرست به عنوان مترادف یکدیگر به کار می‌رفتند، در حالی که مدیریت شهری فرآیند مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربنایها و خدمات یک شهر می‌پردازد، اما حکمروایی شهری فرآیند کاملاً سیاسی است (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). اصطلاح حکمروایی به معنای تمرکز بر فرآیند چگونگی اقتدار و منابع اختصاص داده شده در جهت اقدام کنترل شده و هماهنگ است (Aylett, 2015: 5). دو واژه حکومت شهری و حکمروایی شهری متضمن نگرش‌ها و الگوهای بسیار متفاوت و متمایز تلقی می‌شوند که هر یک شکل و فرآیند متفاوتی از مدیریت شهری را فراهم می‌آورند (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). در گزارش کمیسیون حکمروایی جهانی یا همسایگی جهانی در سال ۱۹۹۵ از حکمروایی خوب تعریف زیر ارائه شده است:

حکمروایی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادهای عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند (عظیمی آملی، ۱۳۹۰: ۵). به طور کلی از فرآیند نظریات مختلف در خصوص مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری، شاخص‌هایی اتخاذ می‌شود که برنامه توسعه سازمان ملل جامع‌ترین آن‌ها را ارائه داده است و شامل مشارکت، عدالت، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اجتماع‌گرایی و اثربخشی و کارایی است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). موضوع مشارکت به عنوان مهمترین شاخص، در تمام تعریف‌های حکمروایی دارای جایگاهی ثابت است که نشان از پر اهمیت بودن این مقوله در امور مربوط به شهر است که جهت تقویت آن نیاز به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها و اطلاعات در یک انجمن عمومی، ارزیابی مشارکت شهروندان در جلسات محلی، همکاری و نظارت در اجرای پروژه‌های دولتی و برگزاری برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء مهارت و دانش شهروندان است (Biswas, 2018: 4).

در تبیین مفهوم مشارکت اجتماعی، واژه حوزه عمومی یا قلمرو همگانی بیش از همه در آثار دو نویسنده معاصر آلمانی، یعنی هانا آرنه<sup>۳</sup> و یورگن هابرماس مورد توجه قرار گرفته است. به طور خلاصه و در نتیجه‌گیری از مباحث آرنه و هابرماس می‌توان گفت، آنچه بیش از صرف وجود سازمانی انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و مجامع جامعه مدنی اهمیت دارد. شکل‌گیری حوزه عمومی بحث و گفتگو در درون این نهادهاست (زاهد زاهدانی و زهری بیدگلی، ۱۳۹۱: ۹۴). یورگن هابرماس<sup>۴</sup> در نظریه خود شکل‌گیری حوزه عمومی و گفتمان خردمندانه را بستری مناسب برای افکار عمومی و مشارکت دانسته است (موسایی و رضوی الهاشم، ۱۳۹۰: ۱۲۷). در این ارتباط، جیمز فریزر مشارکت را با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعیین می‌کند. هرچند وی معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. بر اساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فردی برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد (سرور و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰). سی مور مارتین لیپست<sup>۵</sup> بر اساس یافته‌های پژوهشی در کشورهای مختلف میزان مشارکت را در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل‌کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میان‌سال و افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها و احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر می‌داند. و با تأکید بر همبستگی بین شهرنشینی، گسترش سواد، رسانه‌های گروهی و پیدایش نهادهای مشارکتی به تشریح مشارکت افراد می‌پردازد (غفاری، ۱۳۸۰). جورج هومنز<sup>۶</sup> مشارکت را در قالب نظریه‌ی مبادله مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. دیدگاه اصلی هومنز این است که جامعه‌شناسی باید به تبیین رفتار فردی و کنش متقابل انسان بپردازد. آنچه محور توجه او قرار داشت عبارت بود از شرح الگوهای تقویت و سابقه‌ی پاداش‌ها و هزینه‌هایی که افراد را از آنچه انجام می‌دهند رهنمون می‌کنند. اساسی‌ترین فرض نظریه‌ی مبادله این است که افراد رفتارهایی که قبلاً هزینه‌ی زیادی برای آن‌ها در برداشته پرهیز می‌کنند. به طور خلاصه در

- 1 Urban Government
- 2 Urban Governance
- 3 Hannah Arendt
- 4 Hurgun Habermas
- 5 C. MM. Lipset
- 6 George Homans

مبادله‌ی هومنز رفتار اجتماعی عبارت است از مبادله یا عملی محسوس یا نامحسوس توأم با میزانی از پاداش یا هزینه‌ها که دست‌کم بین دو فرد رخ می‌دهد (دیلینی، ۱۳۸۸). به عقیده هانتینگتون<sup>۱</sup> جوامعی که در آن‌ها زندگی گروهی و فعالیت‌های جمعی گسترش زیادی ندارند، نوسازی با کاهش مشارکت همراه است. به این ترتیب بایستی نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگاه و وضع انجمن‌ها، نهادها و گروه‌های واسط را از پیش زمینه‌های مشارکت اجتماعی برشمرد (موسایی و رضوی الهاشم، ۱۳۹۰: ۱۲۷). محققان و متخصصین این امر، اهداف و عملکرد مشارکت را مورد بررسی قرار داده‌اند و مدل‌ها، چارچوب‌ها و انواع مختلفی را برای طبقه‌بندی و درک مشارکت شهروندان به وجود آورده‌اند و مهمترین آن‌ها نردبان مشارکت است که توسط آرنشتاین<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) پیشنهاد شده است و شامل هشت سطح و مرحله می‌باشد (نمودار ۱) و شهروندان می‌توانند محصول نهایی را تعیین کنند (Li & de Jong 2017: 1087). تئوری وی به طور مکرر مورد استفاده صاحب‌نظران قرار گرفت و مبنایی برای طرح نظریه‌های مشارکت شد. آرنشتاین، مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و ثابت کرده که مدل سودمندی در گفتگوهای مداوم درباره درگیری جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی است (جعفری، ۱۳۹۵: ۴).

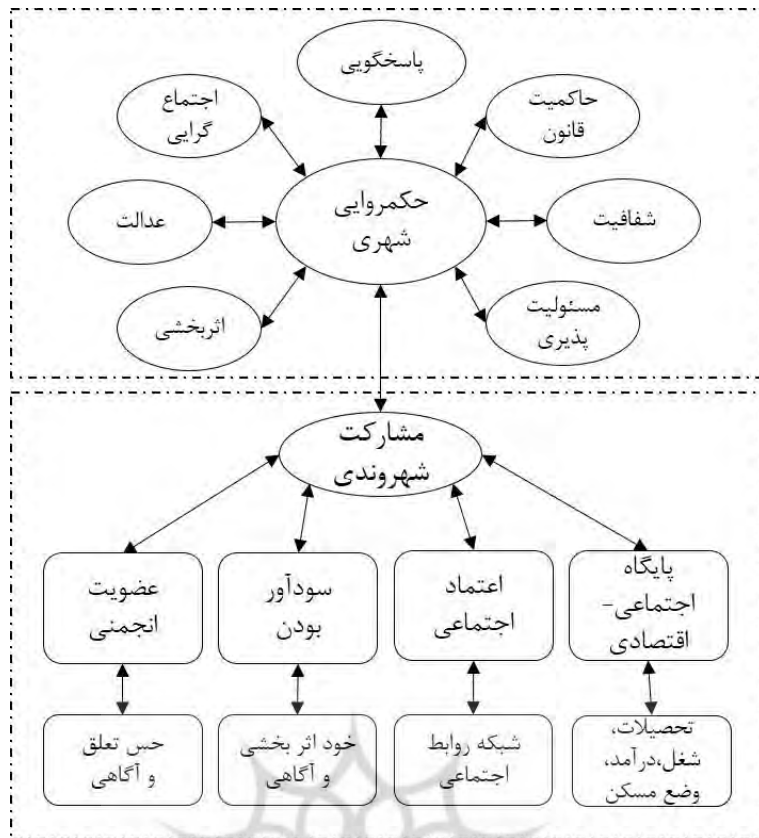


نمودار ۱: نردبان مشارکت آرنشتاین (Li & de Jong 2017: 1087).

با توجه به تأثیرگذاری عوامل متعدد بر مشارکت، نظریه‌ای کلی که به صورت ساده همه یا بیشتر متغیرهای مربوط به مشارکت شهروندی را در بر داشته باشد، مطرح نگردیده است. بر این اساس، چارچوب نظری منتخب این تحقیق (نمودار ۲) برگرفته از نظریات مورد بررسی در مبنای نظری است.

1 Huntington

2 Arnstein



نمودار ۲: چارچوب مفهومی پژوهش

## ۶- فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.  
 به نظر می‌رسد با افزایش اعتماد اجتماعی شهروندان، میزان مشارکت آنان در اداره امور شهری افزایش می‌یابد.  
 به نظر می‌رسد بین سودآور بودن فعالیت مشارکتی با میزان مشارکت آن‌ها در اداره امور شهری رابطه معناداری وجود دارد.  
 به نظر می‌رسد وجود عضویت انجمنی شهروندان باعث افزایش مشارکت آنان در اداره امور شهر می‌شود.

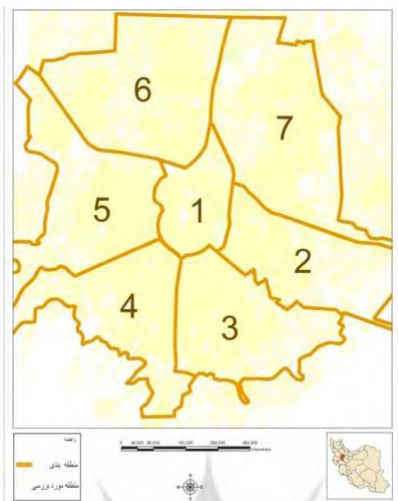
## ۷- روش پژوهش

روش به شیوه گردآوری داده‌ها که در همه‌ی علوم یا بخشی از آن مشترک است، گفته می‌شود. هرگاه جامعه‌ی مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد امکان‌پذیر نباشد، مناسب‌ترین تکنیک، به کارگیری پیمایش<sup>۱</sup> است (میلر، ۱۳۸۰). در تحقیق حاضر روش پیمایش است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها و سنجش متغیرهای تحقیق پرسشنامه است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر همه‌ی شهروندان شهر همدان است. که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت ساکن در نقاط شهری شهر همدان ۶۵۱۸۲۱ نفر بوده است. در پژوهش حاضر با استفاده از رابطه کوکران، نمونه‌ی آماری حدود ۳۸۴ نفر به دست آمده است. با توجه به طرح تفصیلی شهر همدان که دارای ۷ منطقه‌ی مطالعاتی است، پرسشنامه‌ها با توجه به جدول ۱ و شکل ۱ در این مناطق توزیع شده‌اند. برای ساخت پرسشنامه و سنجش متغیرها، طیف لیکرت به کار برده شده است و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ پردازش و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری همچون، ضریب همبستگی پیرسون، و آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است. برای ارزیابی پایایی متغیرهای پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار این ضریب ۰/۷۳۳ به دست آمده است. در رابطه با کلیه متغیرهای تحقیق میزان آلفا بالاتر از ۰/۷ می‌باشد بنابراین می‌توان گفت که سؤالات طراحی شده جهت سنجش هر شاخص از همبستگی درونی بالایی برخوردار می‌باشند.

جدول ۱: تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده در مناطق شهر همدان

مناطق	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷
تعداد پرسشنامه	۵۵	۵۵	۵۵	۵۰	۵۵	۶۰	۵۴

مأخذ: نگارندگان



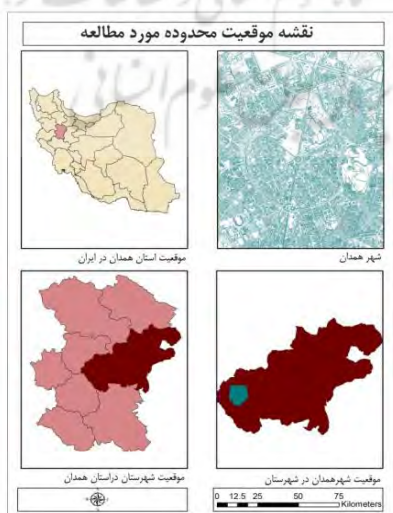
شکل ۱: نقشه منطقه بندی شهر همدان، مأخذ: نگارندگان

## ۸- متغیرهای پژوهش

در این پژوهش متغیرها در دو دسته قرار دارند: متغیر وابسته شامل مشارکت شهروندی و متغیرهای مستقل شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی، سودآور بودن مشارکت شهروندی، عضویت انجمنی، اعتماد اجتماعی.

## ۹- معرفی اجمالی شهر همدان

شهر همدان در دامنه‌ی شمالی کوه الوند قرار گرفته و شیب آن از جنوب به شمال است و از دو قسمت جنوب و مغرب به الوند منتهی می‌شود. شهر همدان از شمال به زنجان، از شرق به بوئین، ساوه و کمیجان، اراک و خنداب، از جنوب به ملایر و از غرب به سنندج، کرمانشاه و بیجار می‌رسد. مساحت شهر همدان ۸۷۴۸۳۲۱ مترمربع معادل ۸۷۴۸ هکتار و جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۰، ۶۵۱۸۲۱ نفر می‌باشد بر این اساس کلیه سطوح شهر همدان در ۷ ناحیه و ۳۳ محله تقسیم شده است. شکل ۲ موقعیت شهر همدان را نشان می‌دهد.



شکل ۲: نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه، مأخذ: نگارندگان



## ۱۰- یافته‌ها و نتایج پژوهش

از نظر میزان مشارکت، مردان فراوانی بیشتری (۶۸/۵٪) نسبت به زنان (۳۱/۵٪) داشته‌اند؛ افراد با سن ۲۰ تا ۳۰ سال بیشترین فراوانی (۳۳٪) و افراد با سن بالاتر از ۵۰ سال کمترین فراوانی (۳/۶٪) را دارند. افراد با تحصیلات کارشناسی بیشترین فراوانی (۳۲٪) و افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و بیشتر، کمترین فراوانی (۸/۵٪) را داشته‌اند. افراد با تعداد اعضای خانواده ۱ تا ۳ نفر بیشترین فراوانی (۷۰/۸٪) و افراد با تعداد اعضای خانواده ۱۰ نفر به بالا، کمترین فراوانی (۰/۲٪) را داشته‌اند. افراد با شغل کارمند بیشترین فراوانی (۳۶٪) و کمترین فراوانی مربوط به سایر (۱۲٪) است. وضع مسکن بیشتر پاسخگویان (۵۶٪) رسمی و وضع مسکن کمترین آن‌ها (۲٪) تصرفی است. مدت سکونت در محله بیشتر از ۴ سال بیشترین فراوانی (۴۹٪) و کمتر از ۱ سال کمترین فراوانی (۶٪) را داشته است. افراد با درآمد ۱ تا ۲ میلیون تومان بیشترین فراوانی (۵۵/۸٪) و افراد با درآمد بیشتر از ۴ میلیون کمترین فراوانی (۰/۲٪) را داشته‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در شاخص اعتماد اجتماعی میانگین نمرات برابر با ۲/۳۶۶ (میانگین نظری برابر با ۲) و انحراف معیار برابر با ۰/۸۷۷ و در شاخص سودآور بودن مشارکت، میانگین برابر با ۳/۱۱۴ (میانگین نظری برابر با ۲) و انحراف معیار برابر با ۰/۹۴۷ و در شاخص عضویت انجمنی، میانگین برابر با ۳/۱۷۸ (میانگین نظری برابر با ۲) و انحراف معیار برابر با ۰/۹۴۳ است. همانگونه که ملاحظه می‌شود میانگین مشاهده شده همه متغیرها به میانگین نظری نزدیک است.

جدول ۲: آماره‌های مرتبط با میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	فراوانی
اعتماد اجتماعی	۲/۳۶۶	۰/۸۷۷	۳۸۴
سودآور بودن مشارکت	۳/۱۱۴	۰/۹۴۷	۳۸۴
عضویت انجمنی	۳/۱۷۸	۰/۹۴۳	۳۸۴

مأخذ: نگارندگان

## ۱۱- نتایج استنباطی

۱- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.  
فرض صفر: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (H0).  
فرض یک: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد (H1).  
با توجه به جدول ۳ میزان معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون کمتر از ۵ درصد ( $p \text{ value} < 0/05$ ) به دست آمده است که به معنی رد شدن فرض صفر و تأیید فرض یک است. نتیجه این که، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی (r)، ۰/۰۱ به دست آمده است. پس این رابطه از نظر جهت همبستگی، مثبت بوده است.

جدول ۳: خلاصه نتایج بررسی فرضیه اول

نام متغیر	ضریب همبستگی	r	sig
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	پیرسون	۰/۰۱	۰/۰۰۱
میزان مشارکت شهروندان			

مأخذ: نگارندگان

۲- بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.  
فرض صفر: بین اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (H0).  
فرض یک: بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد (H1).  
با توجه به جدول ۴ میزان معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون کمتر از ۵ درصد ( $p \text{ value} < 0/05$ ) به دست آمده است که به معنی رد شدن فرض صفر و تأیید فرض یک است. نتیجه این که، بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی (r)، ۰/۰۲۹ به دست آمده است. پس این رابطه از نظر جهت همبستگی، مثبت بوده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج بررسی فرضیه دوم

نام متغیر	ضریب همبستگی	r	sig
اعتماد اجتماعی	پیرسون	۰/۰۲۹	۰/۰۰۱
میزان مشارکت شهروندان			

مأخذ: نگارندگان

۳- بین سودآور بودن و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. فرض صفر: بین سودآور بودن و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (H0). فرض یک: بین سودآور بودن و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد (H1). با توجه به جدول ۵ میزان معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون بیشتر از ۵ درصد ( $p \text{ value} < 0/05$ ) به دست آمده است که به معنی رد شدن فرض یک و تأیید فرض صفر است. نتیجه این که، بین سودآور بودن و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی (r)، ۰/۲۷ به دست آمده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج بررسی فرضیه سوم

نام متغیر	ضریب همبستگی	r	sig
سودآور بودن	پیرسون	۰/۲۷	۰/۰۰۱
میزان مشارکت شهروندان			

مأخذ: نگارندگان

۴- بین عضویت انجمنی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. فرض صفر: بین عضویت انجمنی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (H0). فرض یک: بین عضویت انجمنی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد (H1). با توجه به جدول ۶ میزان معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون بیشتر از ۵ درصد ( $p \text{ value} < 0/05$ ) به دست آمده است که به معنی تأیید فرض صفر و رد فرض یک است. نتیجه این که، بین عضویت انجمنی و میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی (r)، ۰/۱۱ به دست آمده است.

جدول ۶: خلاصه نتایج بررسی فرضیه چهارم

نام متغیر	ضریب همبستگی	r	sig
عضویت انجمنی	پیرسون	۰/۱۱	۰/۰۰۱
میزان مشارکت شهروندان			

مأخذ: نگارندگان

## نتیجه گیری

بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس استنباط می‌شود، اعتماد اجتماعی تأثیر به‌سزایی بر مشارکت شهروندان دارد. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریه مذکور و کارهای پیشین انجام شده درباره‌ی اعتماد اجتماعی، تأثیر آن بر مشارکت شهروندی را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیون تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری بر مشارکت شهروندی دارد. به‌طور کلی وجود اعتماد اجتماعی در جامعه در حکم قوه‌ای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه‌ای می‌بخشد و جان مایه‌ای مؤثر برای کنش‌های جمعی چون مشارکت شهروندی است. بر اساس نظریه مارتین لیپست، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت شهروندی مؤثر است. این موضوع در تحقیق حاضر نیز نمایان است. در این تحقیق پایگاه اجتماعی - اقتصادی با مشارکت رابطه‌ی معنادار و مستقیمی داشته است. بر اساس آنچه از نظریات هومنز استنباط می‌شود، هرچه فرد مشارکت شهروندی را فایده‌مندتر بداند بیشتر به این امر می‌پردازد. اگر شهروندان در ارزش‌یابی‌های خود دریابند که پاداشی که از مشارکت در امور به دست می‌آید کمتر از دیگر فعالیت‌ها است کمتر در امور مشارکت می‌کنند. در حقیقت افراد منافع آنی، قطعی و حقیقی را به منافع حاصل از مشارکت که طبیعتاً در آینده حاصل می‌شود ترجیح می‌دهند. اما در این تحقیق رابطه معناداری بین سودآور بودن مشارکت و میزان مشارکت شهروندان وجود ندارد. بر اساس نظریات

هانتینگتون و نلسون، عضویت انجمنی بر میزان مشارکت شهروندی مؤثر است. اما در این تحقیق رابطه معناداری بین عضویت انجمنی و میزان مشارکت شهروندان وجود ندارد.

نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داد که پایگاه اجتماعی-اقتصادی و اعتماد اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری مؤثر و با آن رابطه معناداری دارد. در رابطه با عدم معناداری وجود رابطه بین عضویت انجمنی و مشارکت مردم در امور شهری نیز می‌توان گفت که تصویری که افراد از انجام موفقیت‌آمیز کارها در یک حوزه خاص توسط خودشان دارند دلیل بر مشارکت آنان نیست، چه بسا افرادی که تصور مثبتی از خود در زمینه‌های مختلف داشته ولی حاضر به ورود به حیطه عمل نمی‌شوند. در زمینه عدم وجود رابطه معنادار بین سودآور بودن مشارکت و مشارکت در امور شهری نیز می‌توان گفت که ممکن است مردم منافع مشارکت را بیشتر از هزینه‌های آن بدانند ولی چون آگاهی کمی در رابطه با شیوه‌ها و زمینه‌های مشارکت در امور شهری دارند بنابراین در عمل تمایل چندانی نسبت به مشارکت نداشته باشند.

## منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن؛ کوزه‌گر، لطفعلی؛ علیان، مهدی و آدینه‌وند، علی اصغر (۱۳۹۴). فراتحلیلی بر پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری در ایران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۰، شماره ۲، صفحه ۴۰-۱.
- باغستانی برزکی، حوریه (۱۳۸۷). بررسی تأثیر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بر توسعه‌ی شهروندی فعال و پاسخگویی و شفافیت شهرداری تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- برک‌پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- پورعزت، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۸). «رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸.
- تیموری، راضیه؛ طورانی، علی و طهماسبی، فرخ (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مشارکت شهروندان بر مدیریت شهری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری، همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، اصفهان، دانشگاه شیخ بهایی.
- حسین‌زاده، علی حسین و فدائی ده‌چشمه، حمید (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره پنجم، صفحه ۸۲-۵۹.
- خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ نجفی کانی، علی‌اکبر؛ خوشفر غلامرضا و شفایی، سپیده (۱۳۹۴). میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه موردی: شهر گلگاه)، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۸، شماره ۲۹، ص ۲۶-۱.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۸). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- رستمی، کاظم (۱۳۸۲). نقش مشارکت مردمی در توسعه‌ی روستایی با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید (نمونه‌ی موردی: شهر فالارد شهرستان لردگان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۹). توسعه و تضاد، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زاهد زاهدانی، سید سعید و زهری بیدگلی، سید محسن (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۲، شماره ۵، صفحه ۱۲۰-۸۳.
- ساجدی، سعیده (۱۳۹۱). پیامدهای اجتماعی و نقش شورایی محله در تحقق مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله دروازه شمیران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.
- سالنامه آماري استان همدان (۱۳۹۰)، سازمان برنامه و بودجه استان همدان.
- سرور، رحیم؛ موسوی، میرنجف و کاظمی‌زاده، شمس‌اله (۱۳۹۱). تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (مطالعه موردی: شهر ارومیه). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۴، شماره ۱۱، صفحه ۶۸-۵۷.
- شربتی، اکبر (۱۳۹۵). میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد). فصلنامه آمایش محیط، شماره ۴۱، صفحه ۱۸۳-۱۶۱.
- شمس پویا، محمد کاظم و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۹۴). تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر مشارکت شهروندی و پاسخگویی مدیران شهری (مورد پژوهی: شهر اسلام‌شهر). فصلنامه آمایش محیط، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحه ۱۵۲-۱۳۷.
- علیزاده، کتابون و رضوی‌نژاد، مرتضی و رادفر، مینا (۱۳۹۲). «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول، صفحه ۸۷-۶۱.
- علیزاده‌اقدم، محمداقرا؛ عباس‌زاده، محمد؛ کوهی، کمال و مختاری، داود (۱۳۹۲). نهاد‌های شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صفحه ۲۱۴-۱۹۵.

- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان‌نامه‌ی دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی»، فصلنامه اندیشه و برنامه‌ریزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، شماره ۴.
- کاظمیان، غلامرضا. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره سوم.
- کاکاوند، الهام (۱۳۹۰). «راهبردهای افزایش مشارکت شهروندان در عمران شهری»، سومین همایش ملی عمران شهری.
- مالکیان، احسان (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شهروندان و مشارکت آنان در سامانه‌ی ۱۳۷ شهرداری منطقه ۲۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- مرادی، گلرمد (۱۳۹۳). تهیه ابزار مشارکت شهری و برآورد پایایی و روایی آن (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۴، شماره ۱۱، صفحه ۱۴۹-۱۸۰.
- موسایی، مریم و رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۹۰). بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری. فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صفحه ۱۵۲-۱۲۳.
- مهارتی، یعقوب؛ حسنی هنزایی، وحید و حمیدی، مجتبی (۱۳۹۱). ارزیابی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری (مطالعه تطبیقی برنامه‌ریزی‌های تهران و مشهد)، چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس.
- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران. تهران: انتشارات شورایی‌عالی معماری و شهرسازی.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰). راهنمای طرح تحقیق و سنجش اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- یزدان‌پناه، لیلیا (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- یغفوری، حسین و رفیعیان، سجاد (۱۳۹۴). بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۷، صفحه ۱۰۰-۸۱.
- هاشمیان، مریم و بهروانف، حسین و نوغانی، محسن (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد»، سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- Aylett, A., (2015) Institutionalizing the Urban Governance of Climate Change Adaptation: Results of an International Survey. *Journal of Building Capacity for Climate Change Adaptation in Urban Areas*, 41(1), 4-16.
- Biswas, Rathin., Jana, Arnab., Arya, Kavi., & Ramamritham, Krithi., (2018) A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management* (<https://doi.org/10.1016/j.jum.2018.12.009>).
- Choen, J, (1999). Changing Paradingsms of Citizendhip and the Exclusiveness of the Demos”, *International Sociology*, 14 (3): 254-268.
- Docherty, I. Goodlab, R & paddison R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, *Urban studies*, 38(12), 2225-2250.
- John, P., Fieldhouse, E., Liu, H., (2011). How civic is the civic culture? Explaining community participation using the 2005 English citizenship survey. *Polit. Stud.* 59, 230-252.
- Li, H., & De Jong, M., (2017). Citizen participation in China’s eco-city development. Will ‘new-type urbanization’ generate a breakthrough in realizing it? *Journal of Cleaner Production*. 162, 1085-1094.
- Nabatchi, T., (2012). Putting the “public” back in public values research: designing participation to identify and respond to values. *Public Adm. Rev.* 72 (5), 699-708.
- Ohmer, M.L (2007). Citizen participation in neighbourhood organizations in poor communities and relationship to neighbourhood and organizational collective efficacy, *Journal of sociology and social Welfare*, 179-202.